**إنّ الفتنة تجي‏ء فتنسف العباد نسفا و ينجو العالم منها بعلمه.**

فتنه بيايد و بندگان را مغلوب كند و دانشمند به كمك دانش خود از آن رهائى يابد...

رسول اکرم صلوات الله علیه، نهج الفصاحه، صفحه286

**ارزش علم[[1]](#footnote-2)**

**چقدر خوب است مجالس شیعیان به صورت [مجلسِ] علم درآید. دین ما همه­اش مکتب است؛ یعنی غیر از درس و دانش و فهمیدن چیز دیگری نیست. حتی شعارهای دینی مثل نماز و روزه و حج به خاطر پرکردن جای خالی بحث و درس است و اگر اشتغال به درس و بحث پیدا کنیم، این تکالیف از ما برداشته می­شود.[[2]](#footnote-3) منظور این است که تنها راهی که ما را به خدا و حقایق و واقعیت­ها مربوط می­کند علم است.**

**نمازِ تنها و روزة تنها بدون درس و معرفت کارساز نیست. نماز خواندن، مقدمة فهمیدن و ارتباط علمی با خدا است. نماز دانستن، غیر از نماز خواندن است. چقدر عابد در تاریخ داریم که زندیق درجة یک هستند و چقدر حاجی بدکار در تاریخ داریم، مثل حاجی شمر، حاجی عبدالرحمن ابن ملجم و حاجی معاویه و حاجی عمر سعد! آیا اینها همه حاجی هستند؟**

**امام حسین علیه السلام در ایام حج برای رفتن به کربلا حجشان را نیمه­کاره می­گذارند. یعنی روز هشتم که حرکت از مکه به جای دیگر و نیمه­کاره گذاشتن حج، خلاف دین است و هیچ کس حق شکستن این مراسم را ندارد، حضرت به سمت کربلا حرکت می­کنند! حج در اسلام خیلی مهم است و تمام انسان­هایی که اطراف خانه کعبه زندگی می­کنند از مسافت دوازده فرسخ تا دوازده فرسخ و با مرکب­های جدید که می­توانند همان ده روز اول ذی­حجه خودشان را برسانند، تقریباً از صد فرسخ تا صد فرسخ اطراف کعبه واجب است خود را به مکه برسانند و مناسک آن را به جا آورند و بعد دنبال کارهای دیگر بروند. اما درست در همین حال و احوال و در گرماگرم مراسم حج که همه به طرف عرفات حرکت می­کنند، حضرت مکه را ترک می­کنند؛ درست مثل کسی که وسط نماز، نمازش را قطع کند و به کار دیگری بپردازد. البته نماز باطل می­شود و خداوند می­فرماید:**

**... وَ لا تُبْطِلُوا أَعْمالَكُمْ [[3]](#footnote-4) : نباید اعمال خود را باطل کنید.**

**در موقع نماز نمی­توانیم رویمان را از قبله به طرفی دیگر برگردانیم و این حرکت امام حسین علیه السلام در روز هشتم ذی­حجه درست مثل این است که کسی نمازش را قطع کند و سر سفره غذا بنشیند! البته مورد اعتراض قرار می­گیرد. حرکت امام حسین علیه السلام در روز هشتم تقریباً همین حالت را در افکار مردم به وجود می­آورد و از سِرّ کار امام کسی سر در نمی­آورد و حضرت هم همین را می­خواهد که در افکار مردم نهضتی ایجاد کند و برای همه این سؤال پیش بیاید که چرا امام چنین حرکتی می­کنند؟!**

**در ظاهرِ امر رفتن به کربلا یعنی بدست آوردن ریاست، و کسی نمی­تواند هدف امام حسین علیه السلام را که شهادت است درک کند. این طور به نظر می­رسد که دو اَبَر­قدرتِ زمان یکی طاغوتی به نام یزید ابن معاویه و دیگری روحانی زمان به نام حسین بن علی علیه السلام هر دو بر سر قدرت و خلافت دعوا دارند و تصمیم دارند با هم بجنگند. و رفتن به سمت کربلا در قضاوت عمومیِ مردم یعنی ترک حج برای بدست آوردن ریاست اسلامی و کسی آن قضاوت الهی را نمی­داند. بنابراین سر و صدای همه به اعتراض بلند می­شود.**

**شاعر دانشمندی که اشعار زیادی در مدح اهل بیت پیامبر سروده است، خدمت امام می­رسد و می­پرسد: یابن رسول الله! حج را نیمه کاره می­گذاری به کجا می­روی؟ حضرت جواب می­دهد که اگر می­ماندم و عجله نمی­کردم مرا می­کشتند و ریختن خون در حج حرام است. بلافاصله والی مکه با چند نفر مرد مسلح به سراغ امام علیه السلام می­آیند و خود را حافظ و نگهبان حضرت قلمداد می­کنند و سر و صدا بلند می­کنند که با وجود ما و با وجود جوانان بنی هاشم که همه زورمند و قدرتمندند و به شجاعت معروفند و با وجود عباس بن علی علیه السلام و برادرانش و پسرتان علی اکبر و آن همه جوان شجاع که در اطراف حضرت هستند چه کسی جرأت دارد به ایشان آسیبی برساند.**

**اما حضرت با وجود اینکه یک جواب قانع کننده یه آنها می­دهد و حرمت قتل و جنگ را در خانه خدا مطرح می­کند، منظورش این است که در افکار مردم نهضت و سؤال به وجود بیاورد که چرا امام حسین علیه السلام تحت فشار یزید بن معاویه است و آیا یزید بر حق است یا حسین علیه السلام ؟ زیرا وقتی که در افکار مردم این تحریک و تحرک­ها به وجود می­آید، همه به دنبال شناخت حق و باطل برمی­آیند.**

**پیدایش علم و معرفت در جامعه بسیار ارزشمند است. بانی این نهضت فکری و علمی، امام حسین علیه السلام است که با حرکت از مکه و شهادت طلبی خود، موج عظیمی در افکار خفتة مردم به وجود می­آورد و همه را برای دانستن و فهمیدن حقایق به تکاپو وادار می­کند. حرکت امام علیه السلام بهانه­ای به دست علما و مُفتیانِ (فتوادهندگان) اهل سنّت داد تا علیه امام حسین علیه السلام فتوا دهند و قتل ایشان را جایز بدانند. آنهایی که نظام دینی و فتوای مذهبی مردم در دستشان بود گفتند: إِنَّ الحُسین ابن عَلیّ ابن ابِیطالب خَرَجَ عَن دین جَدِّهِ و وَجَبَ قَتلَهُ... ، حسین بن علی از دین خارج شده و قتلش واجب است. و دلیل این فتوا، شکستن مراسم حج و خروج او از مکه و مخالفت با یزید است.[[4]](#footnote-5) مردم هم صد در صد باورشان شد و شاید اگر ما هم در آن زمان بودیم باورمان می­آمد و شمشیر و نیزة خود را بر علیه امام به کار می­انداختیم و به کربلا می­رفتیم!!!**

**ائمه علیهم السلام همة این مصیبت­ها را تحمل می­کردند تا به آن منظورِ واقعی خود که ایجاد حرکت فکری و علمی در مردم است، برسند و آن اسلام اصیل و متینی را که پیدایش نظام کامل اجتماعی، مالی، فکری و فرهنگی و سایر کمالات جز با شناخت آن ممکن نیست به مردم معرفی کنند. آنها دانسته و آگاهانه از این مصیبت­ها و شهادت­ها استقبال می­کنند تا نهضت فکری و سؤال و جواب در جامعه بوجود آید و بالاخره از مسیر این انقلاب فکری، حق به کرسی بنشیند و باطل نابود شود.**

**برای همین است که می­گوییم: هیج فریضه­ای در اسلام بالاتر از دانستن نیست. خدا در قرآن صریحاً بیان می­دارد که من مردم را خلق نکردم تا برای به دست آوردن نان و آب کار و کاسبی داشته باشند و همة عمرشان در این راه تلف شود؛ من آنها را برای دانستن خلق کردم. اما چون از دانستن و از مکتب فرار می­کنند، کار و کاسبی برایشان مقدر می­کنیم.**

**خدایی که به هر چیز قادر است و می­تواند با یک فرمان به درختی، میلیون­ها تُن میوه در اختیار بندگانش قرار دهد، نباید بندگانش را برای به دست آوردن یک لقمه نان و آب اینقدر زحمت بدهد. در سوره ذاریات می­فرماید:**

**وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ.**

**إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ**

**من, ‌جن ‌و انس ‌را به اين ‌منظور آفريدم‌ كه ‌بنده من ‌( شاگرد من‌ ) باشند( يعبدون ‌به ‌يعرفون ‌تفسير شده‌ است).آنها را براي تهيه ‌طعام‌ خلق ‌نكرده ام‌ (انسان به منظور دانشجوئي ‌خلق‌ شده‌ است).خدا نيرومند و قدرت مند است‌, روزي ‌بندگان را مي‌رساند.**[[5]](#footnote-6)

**[در واقع در این آیه خداوند متعال می­فرماید که] همه را برای علم خلق کردم اما چون از مکتب فرار می­کنند کار و کاسبی جلو آنها می­گذارم تا شاید از این راه چیزی بفهمند و لش و تنبل بار نیایند؛ از طریق نیازمندی به طبیعت، به اسرار طبیعت آشنا شوند.**

**تنبلی بدترین حالت در انسان است. در این آیات می­فرماید من همه انسان­ها را چه بیابانی چه شهری و دانشگاهی همه را برای این آفریدم که عابد من باشند. یعنی شاگرد من باشند. زیرا عبادت یعنی شاگردی. و می­فرماید من از آنها روزی نخواستم چون خودم خالق روزی ها هستم و نخواستم طعام و غذا تهیه کنند، من خالق طعام و غذا هستم. خدا رزاق است.**

**منظور از جن و انس، انسان­های ناشناخته و شناخته شده و معروف هستند زیرا خدا غیر از انسان، شاگردی ندارد. [[6]](#footnote-7)**

**بنابراین ما برای شاگردی خلق شده­ایم، برای اینکه خدا را بشناسیم، خود را بشناسیم و حقایق را درک کنیم. وقتی شناختیم و نظام فکری و عقلی ما کامل شد خداوند همه چیز در اختیارمان می­­گذارد. آن بهشتی که تعریفش را می­کنند با سرمایه علم به دست می­آید، نه آن مراسم عبادی که فقط ظاهراً عبادت است و دانستن در آن نیست. مثل تابلو دانشگاه است که هر روز آن را ببینی و به یاد خدا که آموزگار توست و به یاد درس و دانشگاه بیفتی. ماه رمضان از خوردن کم کنی و کمتر به دنبال شکم پرستی بروی و به یاد خدا بیفتی. آن سفر پرمشقت حج را انجام بدهی و به یاد خدا بیفتی. اما آیا آنجا بیشتر خدا را می­شناسی یا یک ساعت که پای درس قرآن بنشینی؟ آن یک ساعت به میلیون­ها میلیون رکعت نماز که فقط خم و راست می­شوی می­ارزد. آیا کسی که هرروز می­آید و تابلو دانشگاه را می­خواند و می­رود، دانشجو می­شود؟ یا باید سر کلاسِ درس بنشیند و درس بخواند؟**

**[نتیجه آنکه] بهترین عابدها کسانی هستند که در خط فهم و فکر هستند. والسلام**

**وَ صَلَّى اللَّهُ أَوَّلًا وَ آخِراً عَلَى أَنْوَارِ الْهِدَايَاتِ وَ أَعْلَامِ الْبَرِيَّاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ**

**أَصْحَابِ الدَّلَالاتِ الْوَاضِحَاتِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيرا**

1. **- این متن، فرمایشات استاد رحمة الله در یکی از سخنرانی­های ایشان می باشد، که توسط دانشجویان ایشان پیاده سازی گردیده و به مناسبت عید سعید فطر، در تابستان 1390، به روان مطهر این استاد فرزانه و کلیة علاقمندان به حق و حقیقت و دانایی ، به اذن الله و به اذن حضرات معصومین سلام الله علیهم اجمعین، تقدیم می­گردد. انشاءالله مورد رضایت خداوند منّان و امام زمان (عج) قرار گیرد و برات آبرومندی بانیان در دنیا و آخرت باشد، نزد مولانا امیر المؤمنین قسیم الجنة و النار روحی فداه،.** [↑](#footnote-ref-2)
2. **- توضیح اینکه منظور استاد از این عبارت این نیست که اگر کسی در این عالم (زندگی دنیایی) اشتغال به علم داشته باشد، تکالیف دینی از او برداشته می شود. بلکه این بیان استاد اشاره­ای است به این حقیقت که تکالیف دینی در زندگی دنیایی از باب تمرین و تکلیف است که برای رسیدن به علم و دانش بر هر دانشجویی واجب است. و اگر دانشجوی مکتب خدا (هر انسان مسلمان و اصطلاحاً عبد خدا) در مسیر انجام تکالیف به مراتب بالای دانش و معرفت نائل آید، قهراً تکلیف از او برداشته می­شود. البته بدیهی است که برداشته شدن تکلیف، مربوط به زندگی آخرتی است. چنانکه در این عالم حتی انسان­های کامل مثل رسول اکرم (ص) و امیر المؤمنین علیه السلام تا آخرین روز و آخرین ساعات عُمرِ دنیایی خود در انجام تکالیف عبادی به نحو کامل جدیت داشته­اند. و اساساً این به آن دلیل است که زندگی دنیا به قول استاد غفاری رحمه الله علیه مرحلة دوره دیدن و تعلیم دیدن برای زندگی کردن است. یعنی ما در دنیا زندگی نمی­کنیم ، بلکه تمرین زندگی کردن می­کنیم و آموزش می بینیم که با ورود به حیات اُخروی بتوانیم از رستگاران باشیم، همانان که در آخرت به جنت نعیم و امکانات بی­نهایت زندگی مجهز می­شوند. و الّا غیر ایشان، یعنی اهالی جهنم در صفر زندگی قرار دارند و اینان همان کسانی هستند که در دنیا بجای آنکه از طریق تعالیم انبیاء دوره­های آموزش زندگی کردن را پشت سر بگذارند، با غفلت و بازیگوشی خود را در وضعیتی از جهل و نادانی قرار داده­اند که در حیات آخرتی تا ابد سرگردان و در مشقت و عذاب خواهند ماند. (... وَ قِنَا عَذَابَ النَّار!!!)** [↑](#footnote-ref-3)
3. **- يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ لا تُبْطِلُوا أَعْمالَكُم: اي ‌اهل ‌ايمان،‌ از خدا و رسول‌ اطاعت ‌كنيد و اعمال ‌خود را باطل‌ نكنيد. (سوره مبارکه محمد/33)** [↑](#footnote-ref-4)
4. **- عترت پيامبر صلّى اللّه عليه و آله و سلّم أساس دين، و ستون‏هاى استوار يقين مى‏باشند. شتاب كننده، بايد به آنان بازگردد و عقب مانده بايد به آنان بپيوندد؛ زيرا ويژگى‏هاى حقّ ولايت به آنها اختصاص دارد و وصيّت پيامبر صلّى اللّه عليه و آله و سلّم نسبت به خلافت مسلمين و ميراث رسالت، به آنها تعلّق دارد.( نهج البلاغه-ترجمه دشتى، ص : 45)**

   **توضیح: این فرمایش مولا علیه السلام مؤیِّدِ این حقیقت است که چقدر مردم از درک جایگاه و شأن حقیقی اهل بیت رسول خدا (ص) فاصله دارند. در واقع همانطور که استاد غفاری در جای جای آثار خود تأکید فرموده­اند که بیت الله همچون هر خانة دیگری به اهل خانه و آل الله است که ارزش می­یابد و اساساً مناسک حج ، ابزاری است برای توجه مسلمین به اهل بیت رسول خدا (ص) که معلمین بزرگ الهی می باشتد. در حالی که متأسفانه مسلمان­ها با دوری از اهل بیت اطهار رسول خدا (ص) هر روز بیش از پیش از روح و حقیقت مناسک و شعائر دین فاصله گرفته­اند. اگر خوب توجه کنیم، خداوند در قرآن کریم آنجا که به داستان تغییر قبله اشاره دارد، تصریح فرموده است که : ... وَ ما جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتي‏ كُنْتَ عَلَيْها إِلاَّ لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلى‏ عَقِبَيْه‏، « و ما، آن قبله‏اى را كه قبلاً بر آن بودى، تنها براى اين قرار داديم كه افرادى كه از پيامبر پيروى مى‏كنند، از آنها كه به جاهليت بازمى‏گردند، مشخص شوند. *و مسلماً اين حكم، جز بر كسانى كه خداوند آنها را هدايت كرده، دشوار بود*.» (بقره 143) در واقع رسول اکرم (ص) در بین نماز بوده­اند که فرمان تغییر قبله می­رسد، و در این هنگام که رسول خدا (ص) در بین نماز بر پاشنة خود رو به سوی قبلة جدید می­چرخند، افرادی که پشت سر ایشان به نماز ایستاده­اند. ممکن است به یاد این حکم بیفتند که چرخاندن روی از قبله نماز را باطل می کند، و لذا در نتیجة چنین قیاس ذهنی، ممکن است، بر اثر شک و تردید از متابعت از امام جماعت خود که رسول خداوند است، بپرهیزند تا مبادا نمازشان باطل شود! همانطور که مسلم است تبعیت از رسول اکرم (ص) بی هیچ تردید و بی هیچ قیاسات ذهنی، دقیقاً همان چیزی است که سبب پذیرفته شدن نماز ایشان خواهد بود. و خوشا به حال آنانکه به جای متمسک شدن به قیاسات ذهن خود، به امام و پیشوای الهی خود متمسک می شوند و از مسیر تبعیت و تسلیم کامل او بودن خود را به خالص­ترین و ناب ترین جریانات عبادی الهی متصل می نمایند. [حدیث: امام رضا عليه السّلام از حضرت على عليه السّلام روايت كند كه فرمود: رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله فرمود: خداوند متعال فرمود: … بر دين من نخواهد بود آنكه قياس را در آن بكار گيرد (مشكاه الانوار-ترجمه هوشمند و محمدى؛ ص : 3)] مردم زمان امام حسین(ع) اگر به این درجه از درک مقام انسان معصوم پی برده بودند، هرگز چنان فتوای سخیفی را بر متابعت از امام معصوم ترجیح نمی دادند. و امروز ما، آیا در بوتة چنین آزمایشاتی نیستیم؟!!! هیهات که ما نیز از مسیر تسلیم قضاوت­های شخصیِ ذهنِ قیاس پرورِ انسانی، در آستانة ظهور امام زمانمان از متابعت ایشان و حرکت پشت سر وی، بازمانیم و راه کعبة سنگ و گلینی را بگیریم که بی ولایت موالی معصوم، چیزی جز جهل و خرافه بر ما نمی­افزاید. و نشان بارزِ گرفتار بودن در جهل، همانا راضی به حکومت ظلم بودن است و پذیرش زندگی با ذلّت، یعنی درست همان چیزی که اباعبدالله علیه السلام برای مبارزة با آن قیام فرمودند، پس برما است طالبِ «حُرّیت» و آزادی و آزادگی، بودن. که صد البته به دست نمی­آید مگر پس از رشد معرفتی و تعالی عقلانیت در انسان. و در پی چنین تحول و رشد عظیم فکری در میان بشریت، و آنگاه قابلیت حضور انسان کامل محقق گشته و در پی حضور خلیفة خداوند بر روی زمین، حرّیّت کامل در سراسر عالم برای اهل حق فراهم خواهد آمد، انشاءالله تعالی. یارب چنان بدار ما را و چنین بدار عالَمِ ما را !!!**  [↑](#footnote-ref-5)
5. - سوره **مبارکه ذاریات آیات 56و57و58** [↑](#footnote-ref-6)
6. **- برای مطالعة بیشتر در خصوص حقیقت جنّ در قرآن، رجوع کنید به: شرح استاد غفاری بر آیة 128 سورة مبارکة انعام، ذیل پاورقی 124 در ترجمة روان قرآن که توسط ایشان در سال 1385، توسط انتشارات برهان به چاپ رسیده است. و نیز رجوع کنید به تفسیر همین سوره شریفه از ایشان./ البته استاد رحمة الله علیه در مواضع دیگری از آثار خود نیز بحث­های مفصل و روشنی در باب این موضوع ارائه فرموده­اند.** [↑](#footnote-ref-7)